

## سلحشوران یک تاریخ دروغین!

فواد عبداللهی



اخیرا به بهانه سالگرد «پیروزی» اصلاح‌طلبان به رهبری خامی در ۲۵ سال پیش، در برخی از محافل بازمانده «اپوزیسیون» ملی- مذهبی در خارج کشور هم نوستالژی خامی و دو خرداد ۷۶ عود کرده است. غافل از این‌که این روزها خود خامی، دست به سینه‌ترین موجود دنیا در برابر «آقا» است، ترحم انگیزترین مخلوق دنیاست و مدت‌هاست که کارت اصلاح‌طلبان سوخته است. اما در میان سلحشوران این طیف دوم خردادی، از آقای فرخ نگهدار بشنویم که فرموده‌اند: «رفتار خامی با ایران، جهان و بویژه با مخالفان بهترین کلاس درس تاریخ است برای ما ایرانیان که ظرفیت‌های خود را بشناسیم، بی‌هنگام و بی‌گدار برای «گذار» به آب نزنیم.»

در تاریخ معاصر، کمتر طیفی تحت نام معترض، «اپوزیسیون»، «اصلاح‌طلب» و با عینک «درس‌آموزی از تاریخ»، در ابراز حقارت و بندگی بر درگاه جمهوری اسلامی، به میزان این طیف توده - اکثریتی و اصلاح‌طلب رانده شده از حاکمیت در ایران، کمر خم کرده و آستان بوسیده است. این‌ها «همه با هم»، زیر عباي هر حاکمی که دو روز بیشتر به عمر منحوس جمهوری اسلامی افزوده باشد، تکیه زده‌اند. همه ما بیاد داریم که چگونه از جانب این طیف، رفسنجانی لقب «سردار سازندگی» گرفت و شهردار هوادارش در تهران امیر کبیر معاصر، پاسدارانی مانند امثال گنجی، پهلوان ضد استبداد، شیرین عبادی قهرمان «حقوق بشر»، خامی سردار خوبان و روحانی «کلید» دار گشایش اقتصادی به هزار و یک لقب مفتخر شدند تا به «ملت» فروخته شوند. رجوع امروز این‌ها به خامی و تجلیل از «دستاوردهای مردی با عباي شکلاتی» آن‌هم در زمانه‌ای که جامعه از دیماه ۹۶ به این سو در ابعاد میلیونی اعلام کرده است که «اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، دیگه توممه ماجرا»، قطعاً نه از سر ذکاوت که از سر درماندگی و نوستالژی آغشته به کودنی است. ظاهراً آقای نگهدار از این تاریخ درسی نگرفته است. امروز لشکر بی‌سرباز این‌ها، صرف‌نظر از این‌که روزی با «امام» بوده‌اند یا نه، کسی را کشته‌اند یا خود قربانی بوده‌اند، صرف‌نظر از این‌که دینی داشته‌اند یا بی‌دین بوده‌اند، پرچم دست‌شان همان پرچم تکه پاره‌شده خامی و همان کهنگی است. خامی مهره دست به سینه حاکمیت نظام اسلامی نه هوادار جارو کردن اسلام بود، نه نمایندگی پاک کردن فرهنگ عقب‌مانده از این مملکت، نه هوادار برابری زن و مرد بود، نه برای رفاه و زندگی مردم زحمتکش جامعه کاری کرد، نه چکه‌ای آزادی را تحمل کرد و نه مدعی مدال‌هایی است که آقای نگهدار به گردن او می‌آویزد. ... صفحه ۳

## اعلام سخنرانی‌ها و

## مراسم‌های تشکیلات خارج کشور حزب

## به مناسبت هفته حکمت

## Mansoor Hekmat Week 2022

4-11 June



Mansoor Hekmat (Zhoobin Razani) 1951-2002

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

## ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار می‌آییم و ...

یک نامه در پاسخ به چند سوال از منصور حکمت

۱۳ اوت ۲۰۰۱

با درود فراوان:

از اینکه به علل مختلف نمیتوانیم با شما مصاحبه حضوری نمایم متأسفیم. ولی در عین حال از شما سپاسگزاریم که به سئوالات کتبی که برایتان ارسال میداریم همه‌جانبه پاسخ می‌گویید. توفیق شما را در تمام عرصه‌ها خواهانیم.

تلاشگران: همان‌گونه که شاید شما قبول داشته باشید در جامعه ما دهها و یا صدها سال است که در زمینه اقتصادی، فرهنگ دلالی که در این اواخر یعنی دوران جمهوری اسلامی شدت بیشتری یافته است بدین معنی که از فرهنگ تولید و یا حتی فرهنگ کار و تکامل و توسعه ابزار تولیدی به شیوه مدرن خبری نبوده است. حال سئوال این است که آیا حزب کمونیست کارگری ایران برنامه خاصی برای این مشکل اجتماعی دارد یا نه. اگر دارد آیا متخصصین کارآزموده‌های را برای حل این مشکل پرورش داده است یا نه؟ ..... صفحه ۴

اطلاعیه‌های حزب حکمتیست (خط رسمی)

چهل سال آوار روی سر مردم!

دست دولتها و باندهای تروریست از مبارزات مردم کوتاه!

آزادی برابری حکومت کارگری

# مراسم‌های تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) به مناسبت هفته حکمت

انگلستان - لندن

زمان: شنبه ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲

ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر

مکان: MARY'S COMMUNITY CENTER  
ISLINGTON UPPER STREET, N1 2TX

سخنرانان:

امان کفا: در معرفی جزوه ی «تفاوت های ما»  
عثمان حاجی مارف: نقش منصور حکمت در پراتیک انقلابیون  
ثریا شهابی: آزادیخواهی کمونیستی از «برنامه اتحاد مبارزان کمونیست»  
تا «یک دنیای بهتر»

تلفن تماس: ۰۷۴۰۵۳۴۱۱۴۶

آلمان - کلن

زمان: شنبه ۴ ژوئن ساعت: ۱۸ تا ۲۲

مکان:

MELCHIORSTRASSE 3 50670 KÖLN

سخنرانان:

آسو فتوحی: حکمت و برخورد به پدیده انقلاب  
محمد راستی: کمونیسم کارگری و فعالیت حزب در کردستان  
عرفان کریم: عرفان کریم: حکمت و نکاتی پیرامون مقوله انقلابیگری  
آسو سهامی: رویای ممنوع مجاهدین آذر مدرسی: حکمت؛ ارتدوکسی  
مارکسیسم و کمونیسم اجتماعی

تلفن تماس: ۰۱۷۶۶۲۹۷۴۷۶۸

سوئد - گوتنبرگ

زمان: شنبه ۴ ژوئن

ساعت: ۱۴

مکان: Backa FolketsHus

GRANÅSGATAN 2, HISINGS BACKA

سخنرانان:

سلیمان قاسمیانی: دمکراسی، تعابیر و واقعیات  
دیلان عبدالی: طلوع و غروب خونین نظم نوین جهانی  
محمد فتاحی: فدرالیسم سیاست ارتجاعی

تلفن تماس: ۰۷۳۹۲۴۱۳۸۳

این ویژگی‌ها تنها برای پرچم شدن نیروهای هوادار کهنگی و هواخواه جمهوری اسلامی کافی بودند. امثال خامی را به عنوان پرچم سیاسی دفاع از کهنگی به خورد جامعه دادند. در واقع خامی، قهرمان و رهبر جنبش ملی-مذهبی، از اصلاح طلب درون حکومتی و «نهضت مقاومت» تا طیف راه کارگر و جریان اکثریت و ... بود. جنبشی که دفاع از نظام اسلامی را بر «گذار» از آن ترجیح می‌دهد و در این راه جانفشانی‌ها کردند و هنوز هم از این کوزه همان برون تراود که در اوست.

خوشبختانه طیف ملی-مذهبی و امثال آقای نگهدار، این بندگان «گناهکار» نظام که هنوز که هنوز است از طرف هیچ‌یک از مقامات، برگه‌ای برای عفو «گناهان» گذشته‌شان دریافت نکرده‌اند، شناخته شده‌تر از آنند که نیازی به افشاکاری داشته باشند. بالاخره شمع وجود این سنت گندیده ملی-اسلامی در تاریخ مبارزات سیاسی ایران در دیماه ۹۶ با عبور توده‌های وسیع مردم شهری از هر دو بال نظام، خاموش شد و تاریخ «اپوزیسیون» بازی این طیف ملی-مذهبی و سیاست رضایت‌دادن به جمهوری اسلامی به‌سر رسید. امروز مردم ایران این جناح را در قامت واقعی‌اش، نه در مقابل حاکمیت که پاره تن حاکمیت می‌بینند و قضاوت می‌کنند. مردم ایران تاریخ را نه با عینک اصلاح‌طلبان و تولیدات بنجل وطنی آن از جنس آقای نگهدار و طیف توده - اکثریت که با چشمان باز خود و از دریچه آرمان‌های جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر می‌بینند. جنبشی که امروز در هر کوی و برزن با ادعای «حاکمیت شورایی» به اهتزاز درآمده است.

بزرگ‌ترین خطر اجتماعی از نظر این طیف وقوع انقلابی است که به رهبری کمونیست‌ها، پایه‌های جمهوری اسلامی و محصولات جانبی‌اش را سست و چارو کرده و تغییرات اساسی و رادیکال در جامعه ایجاد کند. چهل سال طبل هواداری این‌ها از مناسک انتخابات در ایران و ایجاد تغییراتی لطیف در نظام و قوانین متحجر اسلامی برای جلوگیری از همین «خطر» اجتماعی بوده است. امروز با تغییر توازن قوای موجود میان حاکمیت و مردم که به یمن حضور قدرتمند ما سوسیالیست‌ها و طبقه کارگر در تحولات سیاسی ایران ایجاد شده است، علائم زیادی هست که نشان دهد که نسل انسان آزادی‌خواه و آگاه امروزی در ایران می‌خواهد متر به متر این مملکت را از تابوهای بو گرفته، از قهرمانان ساخته شده طبقه حاکمه، از امامان و خدایان و قدیسان علم شده، از سنت‌ها و ارزش‌های پوسیده، و از تاریخ و افتخارات پوچ و کذابی ملی و مذهبی پاک کند. علت سوختن کارت اصلاح‌طلبان و ملی‌گراهای راست و چپ هم از همین خیزش نسل امروز به ایجاد تغییرات ریشه‌ای در مناسبات اجتماعی است.

اینها می‌دانند که دوران عروج طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در تحولات ایران شروع شده است. می‌دانند که این جنبش می‌خواهد جمهوری اسلامی را نه با کارت مصدق و خامی بلکه با آلت‌ناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر بزند. می‌دانند که قیام گرسنگان می‌تواند کبریت به خرمن بورژوازی ایران بزند. می‌دانند که دعوا تنها علیه فرهنگ اسلامی و شرقی نیست، تنها علیه بی‌حقوقی زن زیر سنن ملی - مذهبی نیست، بلکه علیه تبعیض و فقر و گرسنگی زیر سلطه سرمایه‌داری است، علیه اخلاقیات و مناسبات خیلی «خودمانی» این‌ها است. علیه ناموس‌پرستی و فرهنگ پوسیده مردانگی است، برای چارو کردن خرافه‌های تاریخی و غیرتاریخی «اقوام»، «مذاهب» و «ملل» باستانی است، برای پاک کردن ریشه‌های حماقت و جهل و نادانی است و ...

این‌ها بو کشیده‌اند که در نبردی که هم‌اکنون آغاز شده است، کمونیسم و آلت‌ناتیو شورایی قدرتمندترین وسیله رسیدن این مردم به آرزوهایشان است. دار و ندار پوسیده این طیف مفلوک پرو-حکومتی بر باد است. هر تحرك و اظهار نظر این طیف و حواریون نظام در شرایط امروز، در مقابل جامعه تشنه رفاه، آزادی و برابری آتش به کسب و کارشان می‌زند. این‌ها با دستان خود دکان‌شان را تخته کرده‌اند. زبان که به سخن می‌گشایند هوی مردم را تحویل می‌گیرند. این‌ها با هر جست و خیزشان حول نوستالژی دوم خرداد، در عمل

به نفع آلت‌ناتیو حاکمیت شورایی طبقه کارگر تبلیغ می‌کنند و وجاهت آن‌را در مقابل آلت‌ناتیوهای گندیده خود نشان می‌دهند. با عبور جامعه از جمهوری اسلامی، این طیف سرش بی‌کلاه مانده است و دیگر ابزاری برای دور کردن «خطر» کمونیسم و طبقه کارگر از ذهن کنجکاو جامعه در اختیار ندارند. تنها اپوزیسیون که امروز در جامعه ایران در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کرده است سوسیالیسم طبقه کارگر است. جنبشی که محصول کار قهرمانان «وطنی» و اصلاح طلب نیست، امتزاجی از عدل علی و شرق‌گرایی شریعتی و ناسیونالیسم ایرانی و رشادتهای ضدامپریالیستی ملیون «جهان سومی» نیست. جنبشی که عشق به مرز و بوم و آب و خاک و پرچم را نشان عقب‌ماندگی و عین خرافه می‌داند. نقطه حرکت جنبش سوسیالیستی اخیر در ایران، انسان و کرامت انسانی است و نقطه حرکت و مقدسات این آقایان خرافه جمهوری اسلامی است.

شانسی که خامی و آقای نگهدار آورده‌اند اینست که در پیشروی طبقه کارگر در ساحت سیاسی ایران و در این وانفسای جمهوری اسلامی، فرمان حاکمیت را در دست ندارند و مدت‌هاست به حاشیه تحولات سیاسی و اجتماعی پرت شده‌اند. این‌ها تاب مقاومت در برابر دو اعتراض دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸ را نیاوردند، چگونه امروز در برابر توفان توقعات فروگفته مردم ایران به سکانداری طبقه کارگر دوام خواهند آورد؟! خامی خود بهتر از هر کسی می‌داند که بخت که برگردد فالوده دندان می‌شکند. راهی برای بازگشت اصلاح‌طلبان رو به موت به عرصه سیاست متصور نیست؛ کسی که در دوران پایانی عمر جمهوری اسلامی نقش سرباز ژاپنی را می‌خواهد بازی کند کبریت به آتیه نداشته خود زده است. این بهترین کلاس درس تاریخ برای آقای نگهدار است و از ما گفت که بی‌گدار در این اوضاع به آب نزند.

**در همبستگی با اعتراضات مردم ایران و در محکومیت سناریوسازی دولتی رژیم علیه مبارزات معلمان**

شنبه 28 می ساعت 1 بعدازظهر  
مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن  
16 Princes Gate, SW7 1PT

تماس: 07488868466  
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)  
کمیته لندن

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)  
Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

**منصور حکمت:** قبل از هر چیز، فکر نمیکنم با همین مشاهده شما موافق باشم. برای برجسته کردن شاخه‌های انگلی در اقتصاد ایران امروز، قدری در این تصویر اغراق کرده‌اید.

بزرگترین بخش جمعیت ایران را کارگران و کارکنان مزدبگیری تشکیل میدهد که در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف کار میکنند. از این گذشته ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در سطح جهانی است. از نظر تولید و تکنولوژی یک کشور میانه حال در بیرون حاشیه جهان پیشرفته صنعتی است. قشر تحصیلکرده و متخصص وسیعی دارد. یک طبقه کارگر باسواد و از نظر تکنیکی نسبتاً پیشرفته دارد. مشکل اول ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی و اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیست، بلکه نظام اجتماعی و سیاسی است.

اما در پاسخ سؤال اصلی شما باید بگویم که نه فقط در ایران، بلکه در هر کشور دیگر در دنیای امروز با جهانی شدن تکنیک و تخصص و اطلاعات، نیروی اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، انسان آزاد است. انسان رها شده. انسانی که اختیار زندگی فردی و جمعی خود را به کف آورده باشد و بتواند توان و خلاقیتش را در خدمت رفع نیازهای خود و جامعه‌اش آزادانه بکار بیندازد. عقب‌ماندگی اقتصادی در دنیای امروز بارومتر و شاخص اسارت و انقیاد سیاسی مردم است. فقر علامت بی‌حقوقی است. عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه نشان فروکوفتگی سیاسی و فرهنگی انسان است. و از این رو در واقع این تنها حزب کمونیست کارگری است که به مسأله عقب‌ماندگی اقتصادی و تولیدی جامعه پاسخ دارد. یک جامعه آزاد، رها، خوشبین و یک نظام سیاسی که حق و حرمت شهروندان را بالاتر از هر اصلی میدانند، مایه یک انفجار عظیم در قدرت آفرینش و سازندگی مردم ایران خواهد شد. آنوقت خواهیم دید که چقدر این مملکت آدم متخصص و توانا دارد. ما لازم نیست از امروز کسی را آموزش بدهیم، ما باید کاری کنیم که موانع سیاسی دخالت مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادیشان برطرف شود. انقلاب کارگری، رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران است. کسی که میگوید جمهوری اسلامی باید آنقدر در شاهراه اصلاح‌طلبی ملی-اسلامی پیش برود و اسلام و آخوندیسم در ایران آنقدر پاستوریزه و آمریکائیزه بشود که سرمایه و تکنیک و متخصص آسیای جنوب شرقی و قلب اروپا و آمریکای شمالی را رها کند و به ایران سرازیر بشود، دارد وقت مردم را تلف میکند.

**تلاشگران:** شما در نهایت خواهان حاکمیت پروتاریا هستید. با مسئله جهانی شدن جهان «گلوبالیزاسیون» و تقریباً در همه عرصه‌ها و بخصوص در عرصه سیاست و اقتصاد چه برنامه‌ای دارید و چگونه می‌خواهید با سرمایه‌داری جهانی که عامل اصلی این پیشامد است و از تکنیک بسیار پیچیده و تکامل‌یافته‌ای برخوردار است رویارویی کنید؟

**منصور حکمت:** ایران سوسیالیستی کشوری پهناور با ۶۰ - ۷۰ میلیون جمعیت در یکی از حساس‌ترین نقاط دنیا خواهد بود. جامعه آزاد ما اگر از تهدیدات و توطئه‌های نظامی مرتجعین در سطح جهانی مصون بماند و وجود خود را به هر حال به سرمایه‌داری جهانی بقبولاند، آنوقت به عنوان بخشی از همین دنیا، قدرت‌ها باید با آن کنار بیایند. ما هم با سر به دیوار سنگی این سرمایه‌داری جهانی حمله نخواهیم کرد. ایران سوسیالیستی سیاستی بسیار هوشمندانه خواهد داشت. به موازات گلوبالیزاسیون (که شخصاً آن را یک وجه اجتناب‌ناپذیر از سرمایه‌داری جهانی میدانم و خواهان عقب‌گرداندن چرخ تاریخ نیستم) شاهد این هم هستیم که شهروندان بخصوص در قلمرو تبادل اطلاعات و سازماندهی فشار به بالا، قدرت عمل بیشتری یافته‌اند. دولتهای غربی حرف آخر را درباره انتقال اطلاعات و تکنولوژی در عصر ما نمی‌زنند. جمهوری سوسیالیستی در ایران یک جامعه باز در دسترس مردم جهان و پذیرای تمام سهم‌گذاری‌ای خواهد بود که مردم آزاد اندیش جهان، علی‌رغم میل سران سیاسی دنیای بورژوازی، در آن خواهند کرد. مردم جهان ایران آزاد را قبله خودشان قرار خواهند داد. عرصه‌ای برای شکوفا کردن یک مدل آلترناتیو، یک زندگی آلترناتیو. ایران سوسیالیستی یک جامعه خاکستری نخواهد بود. خیلی رنگین، خیلی جهانی، خیلی شلوغ. کانون خلاق‌ترین و پرشورترین و پرمایه‌ترین چهره‌های دنیای معاصر از کشورهای مختلف.

**تلاشگران:** فرض بر اینکه حزب شما حاکمیت را در ایران به دست بگیرد برای اداره کشور منظور ایجاد دستگاه اداری جدید مورد نظر شما بجای دستگاه اداری موجود که چند میلیون کارمند و کارگر ریز و درشت ولی ناهمگون با تفکر اداری مورد نظر شما، چه اقداماتی را طرح‌ریزی کرده‌اید و خلاصه اینکه برای این مشکل اساسی چه پاسخی دارید؟

**منصور حکمت:** ما با انقلاب سر کار می‌آییم و پروسه انقلابی، فرهنگ و ذهنیات کهنه را بسرعت نقد و جارو میکند. انقلاب یک نوع تولد دیگر است. چشم گشودنی است به ارزشها و روشهای اساسا متفاوت. مردم انقلاب کرده اصرار دارند از گذشته‌ای که در هم می‌کوبند فاصله بگیرند و نو را بیازمایند. در نتیجه من نگرانی از این بابت ندارم. ما قرار نیست همین جمهوری اسلامی را تحویل بگیریم و تعدیل و اداره کنیم. این مشکل اصلاح‌طلبان است. ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار می‌آییم و همان روند هم مدیران جامعه را، که در سیستم ما خود مردم انقلابی‌اند بدست میدهد. انسانها در نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف ظرفیتهای متفاوتی از خود بروز میدهند. به نظر من دشواری اصلی بر سر راه یک دنیای بهتر، نخواستن و یا نتوانستن اعضای جامعه نیست، بلکه موانعی است که نظم موجود بر سر تغییر قرار میدهد. سیستم اجتماعی موجود به هزاران شیوه، از قهر و خشونت عریان توسط ارتش و پلیس، تا ادیان و سنن و ساختار فرهنگی حاکم، از فشار اقتصادی تا مغزشویی در سیستم آموزشی و در رسانه‌های جمعی، از موجودیت خودش دفاع میکند. اگر این موانع در هم شکسته بشوند، موج ترقی‌خواهی و انساندوستی مردم، توسعه اقتصادی و فنی خیره‌کننده‌ای ببار می‌آورد. تمدن کهنه در برابر تمدن نوینی که مدت‌هاست ممکن و ضروری شده است، به هر قیمت از خودش دفاع میکند. مشکل، عقب‌افتادگی مردم نیست، ارتجاعی بودن نظام اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر است. در ایران این حقیقت را به توان ده میشود دید.

**تلاشگران:** آیا به نظر شما تضاد کار و سرمایه هنوز تضاد اساسی در جهان به شمار میرود. اگر جواب مثبت باشد یک سؤال اساسی دیگر مطرح میگردد. شاید تاکنون عده اندکی از نیروهای چپ ایران به مسئله حفاظت محیط زیست بطور همه‌جانبه پرداخته باشند. ولی شاید تاکنون هیچیک از نیروهای سیاسی از چپ تا راست به این مسئله نپرداخته باشند و لاقول در زمینه حفاظت محیط زیست در جهان برنامه مدونی ارائه نداده باشند. امروز یکی از مشکلات اساسی برای محیط زیست در جهان همانا تولید است. بدین معنی که مصرف انرژی - چه انرژی فسیلی و چه انرژی اتمی - بخاطر تولید توأم است با ایجاد اکسید کربن و در نتیجه بوجود آمدن تأثیرات گلخانه‌ای بر روی زمین و گرم شدن اتمسفر و اقیانوسها و غیره که جای توضیح این مسئله جای دیگر است. در حقیقت این دو در یک طرف قرار میگیرند و آلودگی و تخریب محیط زیست در طرف دیگر و باز در حقیقت تضاد اساسی بر سر بقای انسان - چه کارگر و چه کارفرما و غیره، تضاد بین انسان و محیط زیست است - نظر شما چیست؟

**منصور حکمت:** راستش خیلی وقت بود این اصطلاح «تضاد اصلی» را نشنیده بودم. اگر منظورتان این است که آیا ما جدال طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری معاصر را کلید تحول تاریخی میدانیم، پاسخ مثبت است. اگر چیز مهمی را در دنیا می‌خواهیم عوض کنیم، این دریچه ورود به مسأله است. اتفاقاً مسأله محیط زیست این واقعیت را آشکارتر و صریح‌تر از هر موضوع دیگری بنمایش میگذارد. محیط زیست دیگر چیزی نیست که پاسخ فرهنگی و اخلاقی و فردی و کشوری داشته باشد. صحبت بر سر رابطه کل نظام تولیدی جهانی بشر با گره ارض است. اگر می‌خواهیم با گره زمین رفتار متفاوت داشته باشیم، باید نظام تولیدی را بر مبنای متفاوت قرار بدهیم. نظامی که در آن طرح و نقشه آگاهانه اعضای جامعه مشخصات روند تولید و تکنولوژی مورد استفاده را تعریف میکنند و نه انگیزه سودآوری بنگاههای کاپیتالیستی و جنگ آنها بر سر گرفتن سهم بزرگتر در بازار، اینکه من باتری مصرف شده را در آشغال‌دان نیندازم و پیف‌پاف مصرف نکنم، پاسخ سوراخ عظیم اوزون بالای قطب جنوب نیست. مسأله بر سر اقتصاد سیاسی جهان معاصر است. و این فورا شما را با سرمایه به معنی وسیع کلمه، با مالکیت طبقاتی بورژوازی بر وسایل تولید و ماهیت ابزاری دولت و میدیا برای طبقه سرمایه‌دار مواجه میکند. نمیشود سرمایه و سرمایه‌داری را به حال خود گذاشت، اما جلوی تخریب محیط زیست را گرفت. جرج دبلیو بوش صاف و ساده علت مخالفت آمریکا با توافقات کیوتو را مُضَر بودن آن به حال بیزنس آمریکا اعلام میکنند. اگر خصلت مخرب سرمایه‌داری برای بشریت و تناقض این نظام با شکوفایی جامعه بشری بخواهد مصادیقی داشته باشد، همین محیط زیست گویاترینش است. مبارزه طبقاتی فقط بر سر دستمزد نیست، بر سر جامعه است، بر سر آینده است. مسأله محیط زیست و آینده گره زمین هم به مبارزه طبقاتی گره خورده است.

**تلاشگران:** آقای منصور حکمت بیشتر از این وقت شما را نمیگیریم و امیدواریم که در شماره‌های آینده تلاشگران بیشتر از وقت شما استفاده کنیم و نظر شما را در مورد مسائل جاری ایران برای خوانندگان درج نماییم.

## چهل سال آوار روی سر مردم!

(در مورد واقعه دلخراش آبادان)

فاجعه فروریختن برج متروپول آبادان در روز دوشنبه دوم خردادماه و صحنه‌های دلخراش بازماندگان قربانیانی که در مقابل تلی از آوار آهنی و بتنی برای عزیزان شان زیر آوار اشک می‌ریختند، به حق خشم و انزجار مردم خوزستان و ایران از جمهوری اسلامی را صدچندان کرده است. تاکنون دست کم ده‌ها انسان کشته و مجروح شده‌اند و تعداد بیشتری زیر آوار مانده‌اند. هنوز آمار دقیقی از جان‌باختگان این فاجعه در دست نیست. طبق گزارشات موثقی که رو به بیرون درز کرده است، قبل از احداث این ساختمان، مهندسین و معماران زیادی هشدار داده بودند که شالوده و ساختار این برج به حدی شکننده است که محال است تا زمان افتتاح آن دوام آورد. علیرغم تمام این هشدارها، احداث و مهندس این قتل‌عام کسی نیست جز مالک و پیمانکار پروژه «متروپول»، جناب حاج حسین عبدالباقی، شخصی که از مقامات امنیتی، استانداری، سرداران قرارگاه خاتم سپاه، جناب شمخانی دبیر شورای امنیت ملی و از جانب فرمانده کل نیروی انتظامی خوزستان که از مهره‌های اصلی کشتار نیزار ماهشهر در آبان ۹۸ است، مدال «خیر امنیت‌ساز» گرفته است. این آدمی است که در ساخت و ساز زندان‌ها و پروژه‌های حکومتی در هماهنگی و همکاری کامل با مقامات حکومتی به «چهره ماندگار» در «آبادانی» استان از طرف وزارت صنعت و معدن مشرف شده است.

به محض اینکه خبر فاجعه به گوش مردم می‌رسد تجمع گسترده‌ای در محل شکل می‌گیرد که شهردار به سرعت با یورش مردم به سمتش پا به فرار می‌گذارد. «مسئولین» طبق معمول قول رسیدگی دادند اما مردم عوامل این جنایت را فوراً دست‌نشان کردند؛ از «کارآفرینان» نام و نشان‌دار تا مقامات حکومتی بار دیگر زیر رگبار اعتراض و نفرت مردم قرار گرفتند. مردم خواهان نه فقط محاکمه پیمانکار این پروژه که خواهان مجازات و محاکمه مجریان و مسئولین سیاسی شدند که ورای این پروژه بودند و تصاویرشان در افتتاحیه این پروژه غیرایمن و غیراستاندارد وجود دارد و قابل حاشا نیست.

حاکمیت چکار کرد؟ دستگاه سرکوبش را فوراً فعال کرد! درحالی‌که مردم زیر آوار در حال جان‌دادن بودند، یگان ویژه در تمام خیابان‌های آبادان، برای جلوگیری از اعتراض مردم، حاضر شده بودند. این حاکمیت برای نجات مردم، تجهیزات، نیروی متخصص و پول ندارد، اما برای سرکوب مردم زیر آوار حکومت‌مانده، تجهیزات سرکوب، گاز اشک‌آور و باتون دارد. این حاکمیتی است که چهل سال همچون آوار برج متروپول، به انحاء گوناگون روی سر مردم ایران خراب شده است. تار و پود این حاکمیت با جنایت و گروگرفت نان و خوشبختی و آزادی مردم تنیده شده است. دور نیست روزی که مردم ایران، که طبقه کارگر و موج عظیم اکثریت محرومان در میدان، حساب این نظام سیاه و منحوس را کف دستش بگذارند و برای همیشه نقطه پایانی بر تکرار چنین فجایع دلخراشی بگذارند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) با بازماندگان قربانیان و مردم شریف آبادان و خوزستان، با تمام مردم در سراسر ایران ابراز همدردی می‌کند و خواهان محاکمه آمرین و عاملین این فاجعه از جناب پیمانکار تا مقامات رده بالای حکومتی است که بیش از چهل سال است آوار پشت آوار روی سر مردم خراب می‌شوند و دست‌نشان به خون مردم بیگناه آلوده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ مه ۲۰۲۲ - ۴ خرداد ۱۴۰۱

## دست دولت‌ها و باندهای

### تروریست از

### مبارزات مردم کوتاه!

عصر روز یکشنبه اول خرداد برابر با ۲۲ آوریل، «صیاد خدایی» از فرماندهان سپاه پاسداران در تهران ترور شد. رسانه‌ها و مقامات جمهوری اسلامی انگشت اتهام را به طرف سرویس‌های جاسوسی غرب و مشخصاً دولت اسرائیل و عوامل آنها نشانده رفته‌اند. رسانه‌ها و مقامات اسرائیلی هیچ‌انزده ضمن پخش وسیع این خبر ادعا کرده‌اند که نام‌برده «دستیار ارشد قاسم سلیمانی در ماموریت‌های سوریه و عضو نیروی سپاه قدس و از برنامه‌ریزان کشتن یهودیان» بوده و البته نه مسئولیت این ترور را به عهده گرفته‌اند و نه دست داشت در آن را رد کرده‌اند.

اما مستقل از اینکه ترور «صیاد خدایی» کار کدام دولت و جریان و گروهی بوده باشد، نفس این اقدام در شرایط کنونی که مردم ایران وسیعاً جمهوری اسلامی را به مصادف طلبیده‌اند، به نفع حکومت ایران است. در شرایطی که جمهوری اسلامی با گسترده‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین مبارزات توده‌ای طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان و اقشار محروم در سراسر ایران روبروست، در شرایطی که مردم به جان آمده در یک جدال شبانه‌روزی در مقابل تعرض‌کنندگان به سفره نان خود هستند، ترور و فضای نظامی مستقیماً مستمسکی در دست حاکمیت جهت مقابله با مردم معترض است. ظاهراً این ترور قلب یک فرمانده رژیم را هدف گرفته است، اما زخم و صدمه جدی آن بر تن جامعه و مبارزات توده‌ای در ایران است. از این زاویه، تفاوتی میان ترورکنندگان و ترور شده وجود ندارد.

جمهوری اسلامی که تاریخاً با بهانه‌هایی چون «دست‌داشتن» سرویس‌های «جاسوسی دولت‌های بیگانه» و «عوامل ضدانقلاب» و ... به پرونده‌سازی‌های کثیف علیه فعالین کارگری و اجتماعی دست زده است، این ترور را دستمایه گسترش سرکوب و فضای ارباب خواهد کرد.

ماهیت جنایت‌کارانه و کثیف مهره‌های رژیم و فرماندهان سپاه توجیهی برای دامن‌زدن به ترور و ماجراجویی نظامی نیست. ضدیت لشکر میلیونی مردم آزادی‌خواه در ایران علیه جمهوری اسلامی فرسنگ‌ها با مخالفت دولت‌های مرتجع منطقه و جهان و انواع باندها و گانگسترهای شبهه‌نظامی، که خود دست کمی از جمهوری اسلامی ندارند، فاصله دارد. صف میلیونی مردم تشنه رفاه و آزادی در ایران، از کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار و ... تا زنان و مردان آزادی‌خواه با پرچم آزادی، برابری و رفاه و با انکا به قدرت خود، که جمهوری اسلامی را به مصادف طلبیده‌اند در این مسیر نیازی به دخالت دولت‌ها و جریانات جنایت‌کار مخالف یا دشمن این حکومت، ندارند. مردم آزادی‌خواه ایران به همان اندازه که مخالف جمهوری اسلامی هستند، از دول اسرائیل و عربستان و آمریکا و نیروهای حامی آنان هم بیزارند. نفرت از سران جمهوری اسلامی، نفرت از روسای مراکز اطلاعاتی و امنیتی، از فرماندهان نظامی و قضات آنها از جنس نفرت مردم محروم خاورمیانه و اروپا و آمریکا از دولت‌های مرتجع حاکم و روسای آنها است.

این ترورها و ماجراجویی‌ها، قلب تعرض توده‌ای مردم در مقابل نظام را نشانده گرفته است، ماجراجویی که مبارزه رادیکال و گسترده مردم را با وارد کردن زودرس اسلحه و ترور، در همان آغاز راه، قیچی کرده و از این طریق بزرگترین خدمت را به حاکمیت می‌کند.

بی‌تردید با پیروزی مردم آزادی‌خواه در ایران همه سران ریز و درشت این حاکمیت و از جمله فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران و ... به اتهام جنایت علیه بشریت، کشتارها و ترورهای خونین در دادگاه علنی محاکمه خواهند شد. این حکم مبارزت آزادی‌خواهانه مردم در ایران است. از منظر مردم آزادی‌خواه در ایران نیروهایی که به بهانه ضدیت با جمهوری اسلامی دخالت دولت‌های ارتجاعی دیگر را در ایران تسهیل می‌کنند، در مقابل این مبارزه و این حکم ایستاده‌اند!

حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار مردم آزادی‌خواه در جدال گسترده خود علیه حاکمان در ایران، علیه توطئه‌های دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی و باند سیاهی، که به نام «دفاع از مبارزات مردم»، قلب این جدال را نشانده گرفته‌اند، می‌ایستد.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۳ مه ۲۰۲۲

قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل او است!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena